

کیمیا

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

ساخت روکش طلا برای دندان مردان

(س) آیا ساخت روکش طلا برای دندان مردان اشکال دارد؟
(ج) ساخت روکش طلا برای دندان مردان فی نفسه اشکالی ندارد.
تیسره: گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان‌های جلو با طلا،اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.

استفاده مردان از بدلیجات

(س) مدتی است که گردنبندها و دستبندهایی برای مردان رایج شده است که گاهی نشانه فقره و گروه خاصی می‌باشد و گاهی نیز فقط جنبه تزئینی و زیبایی دارند. هرچند گاهی این وسائل ظاهر طلایی رنگ دارند، ولی معمولا از جنس طلا نیستند، با توجه به این توضیحات حکم استفاده از این وسائل برای مردان چیست؟
(ج) اگر مفاسد اجتماعی نداشته باشد استفاده آنها فی نفسه اشکال ندارد؛ اما اگر ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی محسوب شود جایز نیست و تشخیص آن موکول به نظر عرف است.

محاسبه مالیات به جای خمس

(س) آیا می توان مالیات را به جای خمس حساب کرد؟
(ج) مالیات پرداختی هر سال از مؤونه همان سال محسوب است، ولی از سپهمن مبارکین (خمس) محسوب نمی‌شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه‌شان در زائد بر مؤونه سال به طور مستقل، واجب است.

محاسبه قرض بر اساس طلا

(س) کسی مبلغی پول قرض داده است، آیا می تواند آن را به قیمت طلا محاسبه کند و هنگام دریافت بدهی، براساس نرخ روز طلا محاسبه کند؟

(ج) چنانچه پول را به او قرض داده، نمی‌تواند بیش از آن مقدار طلب نموده و آن را با نرخ روز طلا محاسبه و دریافت کند؛ اما اگر با پول مورد نظر از قرض گیرنده طلا خریده و به او طلا قرض داده است، در صورت پرداخت باید به همان میزان طلا پرداخت شود.

بازسازی از مدل دیگران

(س) حکم سساخت طلا و جواهر از روی مدل و طرح طلاهای ایرانی و غیر ایرانی چیست؟
(ج) اصل مدل و طرح طلا عر فا یک حق معنوی برای طراح آن ایجاد می‌کند و ساخت طلا و جواهر از روی مدل و طرح ایرانی بدون اجازه تولیدکننده و طراح آن جایز نیست و نسبت به طرح‌های غیرایرانی تابع قراردادهایی است که بین جمهوری اسلامی و دولت‌های آنها منعقد شده است.

دست کردن طلا توسط نامحرم

(س) دست کردن النگو و نو یا بریدن النگو کیهه توسط طلافروش مرد برای زن نامحرم چه حکمی دارد؟
(ج) اگر مستلزم لمس و نگاه حرام باشد، جایز نیست.

نگاه کردن به نامحرم در زمان فروش

(س) برای بررسی اندازه النگو و گردنبند، طلافروش به گردن و دست خانم‌ها نگاه می‌کند، حکمش چیست؟

(ج) نگاه کردن مرد به زن نامحرم فقط به صورت و دست‌ها تا مچ اگر بدون آرایش و زیور باشد و بدون لذت جنسی باشد، اشکال ندارد و در غیر صورت و دست‌ها جایز نیست.

استفاده از پلاتین

(س) استفاده از پلاتین به عنوان انگشتر و گردنبند و امثال آن برای مرد چه حکمی دارد؛ و آیا باعث بطلان نماز می‌شود؟
(ج) پلاتین طلا نیست و استفاده از آن اشکال ندارد.

چرا خود را به گریه زدن (تباکی) هم برای امام حسین (ع) ثواب دارد؟

عزاداری امام حسین(ع) که به حق درباره‌اش گفته شده: «مَنْ بَكَى اَوْ ابْکَى اَوْ تَبَاکَى وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ» که حتی برای تباکی (خود را شبیه گریه‌کن ساختن) هم ارزش فراوان قائل‌شده، در اصل، فلسفه‌اش تهییج احساسات علیه یزیدها و ابن‌زباده‌ها و به سود حسین‌ها و حسینی‌ها بوده. در شرایطی که حسین به صورت یک مکتب در یک زمان حضور دارد و سمسبل راه و روش اجتماعی معین و نفی‌کننده راه و روش موجود معین دیگری است، یک قطره اشک برایش ریختن، واقعه نوعی سربازی است.

در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی‌ها شرکت کردن و تظاهر به گریه کردن بر شهادت، نوعی اعلام وابستگی‌بودن به گروه اهل حق و اعان جنگ با گروه اهل باطل و در حقیقت نوعی از خودگذشتگی است. اینجاست که عزاداری حسین(ع)لی) یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.

اما درتپاچا روح و فلسفه این دستور فراموش می‌شود و مسئله شکل یک عادت به خود می‌گیرد که مردمی دور هم جمع بشوند و به مراسم عزاداری مشغول شوند، بدون اینکه نایماگر یک جهت‌گیری خاص اجتماعی باشند و بدون آنکه از نظر اجتماعی عمل معنی‌داری به‌نشانم رود، فقط برای کسب ثواب (که البته دیگر نیازی هم در کار نخواهد بود) مراسمی را مجرد از وظایف اجتماعی و بی‌ربطه با حسین‌های زمان و بی‌ربطه با یزیدها و عبدالله‌های زمان به‌پا دارند. در چنین مراسمی است که اگر شخص یزید برین ملوه به هم از گور به در آید حاضر است که شرکت کند، بلکه بزرگ‌ترین مراسم را به‌پا دارد. در چنین مراسم است که نه‌تنها «تباکی» آن ندارد، اگر یک من اشک هم نثار کنیم به جایی برمنی‌خورد. استاد شهید مطهری، بررسی اجمالی نهفت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۸۳.

شسبهه: بعضی غرب‌شناسان می‌گویند قرآن جنبه داستانی دارد و ساختگی است.

آیا چنین ادعائی درست است؟
پاسخ: برای نخستین بار در دهه‌های ۱۹۰۰ میلادی، تمثیلی‌داستان‌های قرآنی‌به عنوان یک نظریه در تفسیر قصه‌های قرآن مطرح شد. در این نظریه برخی به طوری سیر کرده‌اند که بسیاری از قصص را به مجرد آنکه عقل، واقعی‌بودنشان را اضمائنی‌کند، به دنیای غیرواقعی و خیال‌بازرگانه و تحت عنوان تمثیل مطرح می‌کنند.»[۱] ما مطالعه مطالبی که در ادامه می‌آید روشنی می‌شود قرآن کریم کتاب هدایت و راهنمای انسان به سوی سعادت و کمال است. لذا ضرورت آنکه عقل، واقعی‌بودنش را، بلکه اگر قصه و داستان هم بیان می‌کند، همه حقایق و واقعیت‌هایی هستند که به حسب نیاز و به جهت فهم آسان‌تر و ماندگار و تأثیرگذاری بیشتر برای مخاطب، در قالب داستان بیان شده‌اند.

شاخص‌های قصه‌های قرآنی

قصص قرآنی دو ویژگی مهم دارد:

- حقیقت‌گویی و واقع‌گرایی نه خیال‌پردازی
- هدفمندی و هموسویی با غرضی که قرآن در پی آن است. قرآن به داستان تنها به عنوان یک کار هنری نپرداخته و نیز غرضش مانند تاریخ‌نگاران و قصه‌پردازان، شرح حال گذشتگان با سرگرمی و لذت نبوده است، بلکه قصه در قرآن با دیگر شیوه‌های بیانی آن همگام می‌شود تا اهداف هدایتی و تربیتی را برآورده سازد و البته در این میان، قصه‌ها نیز مهم‌ترین

تجارت به معنای دادوستد و تصرف در اصل سرمایه برای دستیابی به سود است که می‌تواند تجارت مادی دنیوی برای منافع دنیوی یا تجارت مادی و غیرمادی دنیوی برای منافع ابدی اخروی باشد.

البته مؤمنان حتی در تجارت مادی دنیوی می‌توانند منافع اخروی را مدنظر قرار دهند؛ زیرا جمع میان حسنات دنیوی و اخروی شدنی است؛ اما پسیری از مردم دنبال چنین جمعی نمی‌روند و تنها دنبال حسنات دنیوی می‌روند و در تجارت خویش حسنات اخروی را مدنظر قرار نمی‌دهند و این گونه است که سود اخروی برای تجار تشار نیست. (بقره، آیات ۲۰۰ و ۲۰۱)

ممکن است گفته شود که چگونه شخصی که در حال دادوستد مادی و کسب منافع دنیوی است، می‌تواند همزمان حسنات اخروی را بخواهد و بدان دست یابد؟ خدا در پاسخ به این پرسش می‌فرماید هرکسی کسب منافع دنیوی را از یک وظیفه و تکلیف الهی برای حیات طیب و کسب حال در دنیا و آخرت بداند و با نیت خدایی عمل کند چنین عملی تجاری است که سود آن به عنوان حسنات دنیوی و اخروی برایش تحقق می‌یابد؛ از همین‌رو، حتی گفته شده است: «لَكَادَ عَلَى عِبَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

پیامبر (ص) می‌فرماید: هرکس یک شب در آرزوی گرانی برای امت من باشد خداوند اعمال چهار ساله او را تباه خواهد کرد.

سبیل‌الله: هرکسی برای خداوندش سعی و تلاش کند، همانند مجاهد در راه خدا است (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳، حدیث ۵۹)، پس همانا ثواب دنیوی و اخروی که برای مجاهد است برای اوست و این‌گونه حسنات دنیوی و اخروی برایش خواهد بود؛ از نظر آموزه‌های قرآنی، مؤمنان با مراعات احکام و قوانین دین الهی از جمله عدالت در قالب ترازو و پیمانه نه‌تنها سود دنیوی می‌برند و به آسایش و رفاه در زندگی دنیوی دست می‌یابند، بلکه برای خویش سود اخروی را نیز فراهم می‌کنند. (تعارف، آیه ۸۵، نساء، آیه ۲۹؛ هود، آیات ۸۴ و ۸۵، اسراء، آیه ۲۵) همچنین تجار مؤمن و در انفاق از سود در قالب خمس و زکات و صدقات به عنوان حقوق مالی سالان و محرومان نه‌تنها بر سود دنیوی خویش

و ضرر و زیان بیرد. خدا در قرآن بر «قسطاس» و تراز و کیل به عنوان ابزارهای تحقق عدالت تأکید کرده است؛ زیرا این‌گونه است که زندگی بر مدار آموزه‌های دین تحقق می‌یابد. البته کسی که ترازو و پیمانه در دست است، مستحب است که کمی بیشتر بدهد تا احسانی نیز بخورد. ۳- نهان‌داشتن عیب‌ها ۴- ستایش کالا هنگام

فروش
شکوهش هنگام خرید. (بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵)
همچنین بفرای (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۳)
همچنین پیامبر خدا فرمود:
بِمَعْشَرِ التِّجَارِ إِنَّ التِّجَارَ يُبْعَثُونَ فِجَارًا آسِه ۱۱۱) و نیز تجارت با انفاق و صدقات و مانند آنها است که پاداش کامل الهی با فضل و زیادتی از سوی خدا را در دنیا و آخرت به دنبال دارد.(فاطر، آیات ۲۹ و ۳۰؛ بقره، آیه ۲۶۱)

به سخن دیگر، تجارت از نظر قرآن، دارای اقسام مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی است که مؤمنان تمام تلاش خود را می‌کنند تا این اقسام را به هم جمع کنند و سودهای مختلف و گوناگونی را کسب نمایند؛ زیرا آنان تجاری را مدنظر قرار می‌دهند که دارای ویژگی‌هایی چون «حلال بودن، رضایت‌طرفینی، طیب بودن، عدالت، قسط، اخلاص» و مانند آنها است که همگی در چارچوب دین الهی است که عقل و نقل و حیوانی آن را تأیید می‌کند. (صفه، آیات ۱۰ و ۱۱؛ توبه، آیه ۱۱۱؛ فاطر، آیات ۲۹ و ۳۰؛ بقره، آیات ۱۸۸ و ۲۶۱؛ هود، آیات ۸۲ و ۸۵؛ نساء، آیه ۲۹)

کسی که از اضطراب مردم سوءاستفاده کند تا درآمدی کسب کند، به نوعی از رحمت الهی دور و ملعون است؛ امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: رسول خدا از خرید (اجحاف گرانه) اموال اشخاص مضطر و پول لازم نمی‌کرده است.

شرایط تجارت مفید در دنیا و آخرت
صدقات
صدقت در همه امور از جمله تجارت‌های مادی دنیوی بسیار اهمیت دارد. بنابراین مؤمنان که زندگی خویش را بر مدار دین الهی تنظیم می‌کنند، به این بار بسیار اهتمام دارند تا از سودهای گوناگون تجارت در دنیا و آخرت برخوردار باشند.
پیامبر خداصلی الله علیه و اله) فرمود: اَتَجَارُكَ الصَّدُوقُ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. بازارِ گانِ راستگو روز قیامت در سایهٔ حمایت خداست. (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۸)

این شیوه‌ها است. این ویژگی‌ها را خود قرآن کریم نیز اشاره‌وار بیان کرده است: «در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود این‌ها داستان دروغ‌نویان بودند بلکه (وحی آسمانی است) و هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.»^[۱]
واقع‌گرایی
بدین معنی که قرآن رخداده‌ا و موضوعاتی را بازگو می‌کند که با واقعیت‌های عینی حیات انسان و بایسته‌های زندگی او در مسیر تاریخ ارتباط مستقیم دارد و این‌گونه نیست که قصه در قرآن تصویرگر تخیلات، آرزوها و امیالی باشد که انسان در پی آن

مقصود قرآن از بیان حکایات‌ها و حادئه‌ها، بازنگری تاریخ انسان و واقعیاتی است که بششر در طول زندگی تجربه کرده است و به سرگذشت ادیان الهی پیشین و امت‌ها می‌برازد تا صحیفهٔ نیکی و بدی آنها پیش چشم نسل‌های بعدی مکتوب و روشن باشد و آیندگان از گذشتگان درس گرفته و تجربه‌های ناکام آنان را تکرار نکنند تا به سرانجامی ندامت‌بار دچار نشوند.

این شیوه‌ها است. این ویژگی‌ها را خود قرآن کریم نیز اشاره‌وار بیان کرده است: «در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود این‌ها داستان دروغ‌نویان بودند بلکه (وحی آسمانی است) و هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.»^[۱]
واقع‌گرایی
بدین معنی که قرآن رخداده‌ا و موضوعاتی را بازگو می‌کند که با واقعیت‌های عینی حیات انسان و بایسته‌های زندگی او در مسیر تاریخ ارتباط مستقیم دارد و این‌گونه نیست که قصه در قرآن تصویرگر تخیلات، آرزوها و امیالی باشد که انسان در پی آن

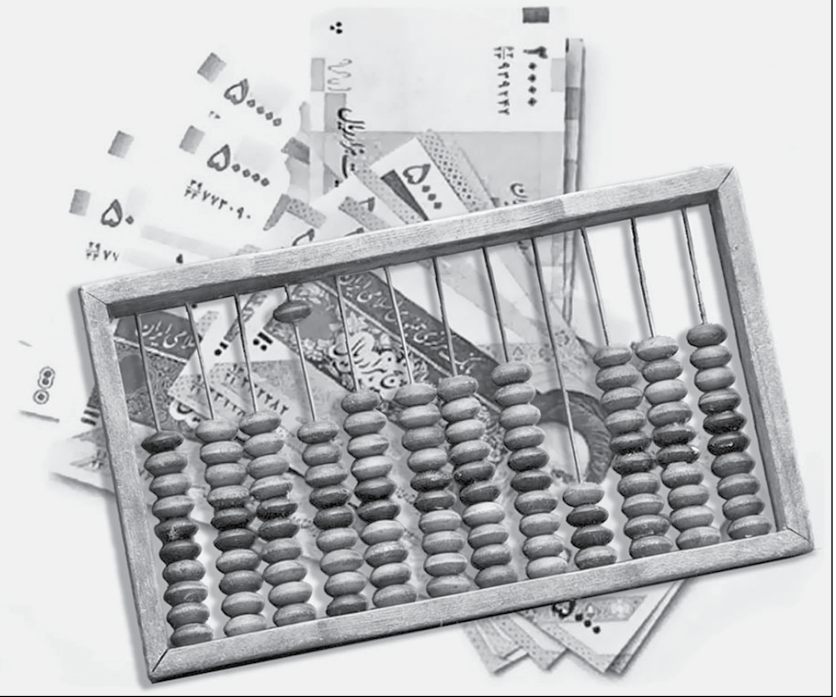
معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

همچنین امام صادق(ع) فرمود: ثَلَاثَةٌ يَدْخُلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ: إِمَامٌ عَادِلٌ وَتَاجِرٌ صَدُوقٌ وَ شَيْخٌ قَنِيٌّ عَمْرُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ؛ خداوند سه کس را بدون حسابرسی به بهشت می‌برد: ۱ – پيشواي عادل ۲ – بازرگان راستگو ۳ – پيروي که عُمر خود را در اطاعت خدا گذرانيده باشد. (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۸)

پس تجاری که براساس صداقت باشد، آثار معنوی دارد؛ پیامبر(ص) در راستای تبیین چگونگی صداقت در معامله و تجارت می‌فرماید: اَلْمُسْلِمُ اخًا لِمُسْلِمٍ لِإِحْسَانِهِ وَ لِمُسْلِمٍ بَاغٌ مِنْ أَخِيهِ يَتِمَّا فِيهِ عَيْبٌ الْإِيْتَنَةُ، مُسْلِمَانٌ بَا مَسْلَمَانٍ بِسَرَادَرٍ اسْتِ وَ جَايزٌ نَيْسِتٌ بَ بَرَادَرِشْ چيز معيوبی را بفروشد مگر آنکه او به اعلام کند. (کنزالعمال ج ۴، ص ۵۹)

همچنین رسول خدا فرمود: يا صَاحِبِ الطَّعَامِ، اسْفُلْ هَذَا مِثْلَ أَغْلَاةٍ؟ مَنْ غَشَّ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ ای خواروارفروش، زیر این کالا همانند روی آن است؟ هر کس به مسلمانان خیانت کند مسلمان نیست. (همان، ص ۶۰)

عدالت
شکی نیست که معامله و تجارت باید براساس عدالت باشد که هرکسی سهم خویش را در معامله بدون اجحاف



آداب و شرایط تجارت در اسلام

محسن سخاوتی

کننده رسول خدا با اشاره به آفات تجارت‌های باطل دنیوی فرمودند: مَنْ بَاغَ وَاشْتَرَى فَلْيَحْزَنْتْ خَسْرَتُ حِصَالٍ وَلَا فَلَا يُبِيعُ وَلَا يَشْتَرِي: نَزَاهُ، وَالْخَلْفُ وَكُثْمَانُ الْعَيْبِ وَالْعَمْدُ اَذَا يَبْلُغُ الْوَلَدُ اَذَا اشْتَرَى؛ سوداگر و بازرگان باید از پنج گرفتار دوری گزیند وگرنه دادوستد نکند: ۱- رب‌باخواری ۲- سوگند خوردن ۳- نهان‌داشتن عیب‌ها ۴- ستایش کالا هنگام فروش
شکوهش هنگام خرید. (بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵)
همچنین بفرای (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۳)
همچنین پیامبر خدا فرمود:
بِمَعْشَرِ التِّجَارِ إِنَّ التِّجَارَ يُبْعَثُونَ فِجَارًا آسِه ۱۱۱) و نیز تجارت با انفاق و صدقات و مانند آنها است که پاداش کامل الهی با فضل و زیادتی از سوی خدا را در دنیا و آخرت به دنبال دارد.(فاطر، آیات ۲۹ و ۳۰؛ بقره، آیه ۲۶۱)

به سخن دیگر، تجارت از نظر قرآن، دارای اقسام مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی است که مؤمنان تمام تلاش خود را می‌کنند تا این اقسام را به هم جمع کنند و سودهای مختلف و گوناگونی را کسب نمایند؛ زیرا آنان تجاری را مدنظر قرار می‌دهند که دارای ویژگی‌هایی چون «حلال بودن، رضایت طرفینی، طیب بودن، عدالت، قسط، اخلاص» و مانند آنها است که همگی در چارچوب دین الهی است که عقل و نقل و حیوانی آن را تأیید می‌کند.

الْأَسْنِ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَزَوَّدْكَ؛ هان ای بازرگان!؛ همانا بازرگان در قیامت گنهگار برانگیخته می‌شوند مگر کسی که تقوای الهی پیشه کند، نیکویی کند و راستگو باشد. (میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۷)
البته این احسان و نیکی در حق دیگری در تجارت و معامله می‌ت